

شهرآرا ابعاد تازه آسیب فعالیت‌های خیرخواهانه را بررسی می‌کند

تاریک‌خانه فهرست مددجویان خیریه‌ها



● راست می‌گویید

شائبه مطرح‌شده درباره فقدان بانک اطلاعاتی جامع از مددجویان مؤسسات خیریه را که با معاون مشارکت‌های مردمی و اشتغال اداره‌کل بهزیستی خراسان رضوی در میان می‌گذاریم، بی‌مقاومت و انکار پاسخ می‌دهد:بله، درست است. حمیده محدث در گفت و گویا شهرآرا، نبود ساز و کار برای به‌اشترک گذاشتن بانک اطلاعاتی مؤسسات خیریه را آسبیدی جدی توصیف می‌کند و ادامه می‌دهد: ما هم به این آسیب رسیده ایم. در دریافت خدمات از سوی برخی مددجویان، هم پوشانی وجود دارد. در نتیجه شاید یک مددجواز ۱۰ جا خدمت بگیرد و دیگری که نیازمند هم هست از هیچ جا کمکی دریافت نکند.

او اضافه می‌کند: مادر باره این مشکل جدی که مدت هاست شناسایی اش کرده ایم، بارها در جلسات استانداری خراسان رضوی صحبت کرده ایم. موضوع مهمی است، به‌ویژه از زمانی که کرنا شروع شد و این مؤسسات به موضوع ورود کردند و ویژه‌تر در یک پنجم کرنا که حجم خدمات و کمک‌ها به مددجویان به اوج رسید و

دلیل فقدان متولی، برنامه‌ریزی و طراحی نشده است. نتیجه اینکه همه ما اعم از استانداری، بهزیستی و کمیته امداد در جریان این آسیب هستیم و هیچ کس هم نتوانسته است این مسئله را سامان دهی کند.

نیودبانکی جامع از افرا دنیا زمند در یافت خدمات، به خیریه‌ها و موازی کاری دستگاه‌های صدور مجوز خلاصه نمی‌شود. این ماجرا ابعاد ملی دارد و با آمدن کرنا، بیش از هر زمان دیگری رخ نشان داده است به موضوع یادشده در اظهار نظر کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی درباره طرح هدفمند کردن حمایت‌های معیشتی از طریق اصلاح ساز و کارهای شناسایی مشمولان حمایت، به تاریخ اول شهریور امسال نیز اشاره شده است.

● ابعاد یک آسیب

۲۷۰ خیریه، این تازه‌ترین آماری است که معاون مشارکت‌های مردمی و اشتغال اداره‌کل بهزیستی خراسان رضوی از مؤسسات خیریه فعال در خراسان رضوی دارد، مؤسساتی که تحت پوشش بهزیستی هستند و به گفته محدث، آمارها در شش ماه نخست امسال، حکایت از افزایش اعتماد خیران و رشد کمک‌های مردمی دارد. او میزان این رشد نسبت به مدت مشابه با ارسال را ۱۷ درصد بیان می‌کند و به عنوان نمونه، میزان کمک‌های مردمی در شش ماه نخست امسال به مراکز غیردولتی بهزیستی استان را بالغ بر ۵۰ میلیارد تومان بیان می‌کند. رشدی که در کنار رضایت بخش بودن آن، اهمیت کاهش شائبه‌ها درباره نحوه شناسایی و تخصیص به‌نیازمندان واقعی را دوچندان می‌کند.

بررسی‌های ما نشان می‌دهد نبود سامانه واحد برای رصد مددجویان تحت پوشش، آنقدر فراگیر است که نشانه‌های آن در عملکرد یکایک دستگاه‌های صادرکننده مجوز نیز مشاهده می‌شود. به عنوان نمونه، صحبت‌های محمد رضا رضانیان، دانشجوی دکتری مدیریت فرهنگی و پژوهشگر، را به یاد می‌آوریم که سر بسته گفته بود: یکی از دستگاه‌های متولی صدور مجوز و نظارت بر خیریه‌ها سامانه‌ای به اسم «اشاره» دارد. از ۲۵۰ خیریه زیر نظرش فقط ۷۰ مورد از این سامانه استفاده می‌کنند. از بقیه هیچ اطلاعاتی نیست. بانک اطلاعاتی دستگاه‌های حمایت

از مددجوها هم در دسترس یکدیگر نیست. معاون مشارکت‌های مردمی و اشتغال اداره‌کل بهزیستی استان از تلاشی بی‌فایده برای رفع این مشکل، دست‌کم در خیریه‌های تحت پوشش بهزیستی، این‌طور می‌گوید: به‌همه خیریه‌های زیر پوششمان نام کار بری و رمز ورود داده ایم تا اطلاعات مددجویانشان را در سامانه ارمان (مربوط به سازمان بهزیستی کشور) ثبت کنند. این راهکار هم ایراد بزرگی دارد.

او ادامه می‌دهد: مؤسسات خیریه تحت پوشش بهزیستی در واقع باید فقط به مددجویان بهزیستی خدمات بدهند اما برای اینکه افراد محروم از پوشش نهاد‌های حمایتی بتوانند از طریق خیریه‌ها خدمتی دریافت کنند، در این قضیه به خیریه‌ها سخت نمی‌گیریم.

به گفته وی این تساهل که شاید در شرایط کرونایی فعلی و حجم خانواده‌های آسیب‌دیده

اقتصادی ناگزیر هم باشد، مسئله دیگری به بار آورده است. مددجویان خیریه‌ها که کد ملی‌شان به‌عنوان عضو رسمی خانواده بهزیستی شناسایی نشده باشد، امکان ثبت نام و مشخصاتشان در سامانه ارمان نیز وجود ندارد و به این ترتیب تاریک‌خانه فهرست مددجویان خیریه‌ها به قوت خود باقی می‌ماند.

● پس از همه‌های ماجرا

نیودبانک اطلاعاتی شفاف و جامع از مددجویان خیریه‌ها و دستگاه‌های حمایتی خطایی است که تاکنون با بهانه‌هایی از قبیل ترس از بی‌اعتماد شدن مردم به خیریه‌ها یا با صراحت بیان نشده است و به‌گواه کارشناسان این حوزه، عزم جدی برای حل این آسیب هم مشاهده نمی‌شود. ما چرا فقط بر سر هر زفتن بخشی از پارانه‌های دولتی و کمک‌های خیران نیست، در کنار همه نقاط قوت کارهایی که بابت خیر و انگیزه‌های انسان دوستانه انجام می‌شود،



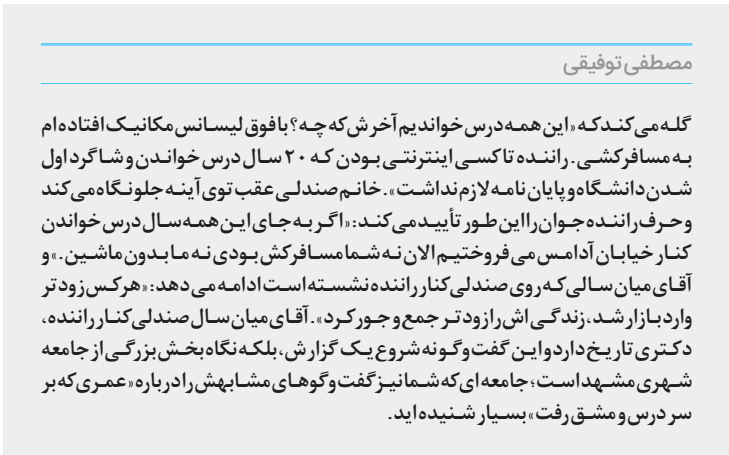
عکس: ژانلین است

می‌توان با قدری باریک‌بینی پس‌لرزه‌های این مشکل و سایر خطاهای خیرانه را در میان گروهی از مددجویان مشاهده کرد. افول فرهنگ کار و تمایل به نمایش فقر، یکی از این آسیب‌هاست که فعالان اجتماعی در مناطق کم‌برخوردار به آن اذعان دارند.

حمید رضا شیخ الاسلامی، پژوهشگر، آسیب عملکرد مؤسسات و مراکز با فعالیت‌های خیرخواهانه را فراتر از شفاف نبودن بانک‌های اطلاعاتی مددجویانشان می‌داند. او هدف از همه این هزینه‌کردها و تلاش‌ها را کاهش محرومیت و ریشه‌کن شدن فقر بیان می‌کند: در عین حال می‌گوید: اگر آسیب‌های عملکرد این مؤسسات و مراکز درمان نشود، هر قدر هم که تعداد خیریه‌ها بیشتر شود و کمک‌های مردمی افزایش پیدا کند، باز هم بی‌فایده است و تعداد کسانی که آن‌ها محروم می‌خوانیم بیشتر و بیشتر خواهد شد.

این عمر طی نمودیم اندر امیدواری

گزارش شهرآرا از روند کاهشی گرایش جوانان به تحصیلات دانشگاهی حکایت دارد



● از صف‌های طولانی تا صندلی‌های خالی

درست یا غلط، این «صدای شهروندان» از جمله آن حرف‌هایی هم نیست که در سطح حرف‌های گدزای کوچه‌بازاری باقی بماند. کافی است به آمار، «مشتاقان تازه» دانشگاه، نگاهی بیندازیم. نه تنها دیگر نشانی از صف طولانی ثبت نام کنکور و دانستن نتیجه قبولی و صف ثبت نام دانشگاه‌ها نیست، بلکه آمار ثبت نام کنندگان دانشگاه‌ها هم بسیار تغییر کرده است؛ از اینکه ۵۰ درصد قبول‌شدگان آزمون سراسری به کلی قید انتخاب رشته را می‌زنند و عطای دانشگاه را به لقای آن می‌بخشند، تا کاهش دو میلیون نفری داوطلبان ورود به دانشگاه‌ها طی کمتر از یک دهه. تا رسیدن متقاضیان آزمون کارشناسی ارشد به کمترین تعداد خود در سال‌های اخیر و البته در کمال شگفتی خالی ماندن بسیاری از صندلی‌های مقطع ارشد و دکتری و همدار کارشناسان ایرانی درباره خالی ماندن صندلی برخی از رشته‌های مهم مقطع دکتری که تحصیل در آن‌ها آینده‌ساز جامعه است. در این گزارش به سراغ شهروندان و کارشناسان رفته ایم و درباره دلایل کم‌رغبتی به دانشگاه‌ها که می‌تواند زمینه‌ساز خالی شدن تدریجی حرفه‌ها و پست‌ها از متخصصان جوان دانشگاهی شود گفت وگو کرده ایم.

● تغییر اولویت‌ها یا برآورده نشدن انتظارات؟

مقابل در دانشگاه فردوسی مشهد با برخی جوانان در حال عبور از این محل درباره تأثیر



که مجاز به انتخاب رشته بودند، تنها نمی‌از آن‌ها اقدام به انتخاب رشته کرده بودند. سکوت و سکون معناداری که ابراهیم صالحی عمران، رئیس دانشگاه فنی و حرفه‌ای کشور، آن را چنین تعبیر می‌کند: «مهارت محور نبودن دانشگاه‌ها سر درگمی داوطلبان مجاز کنکور سراسری در انتخاب رشته و اتلاف سرمایه‌های انسانی را به دنبال دارد. بوی ادامه می‌دهد: «اگر در نظام آموزشی کشور هدایت به سمت مهارت‌آموزی انجام شود، کنکوری‌ها با برنامه‌ریزی هدف‌خود رانشناسایی و آن را دنبال می‌کنند،»

علی‌آهون منش، رئیس اتحادیه دانشگاه‌های غیرانتفاعی، نیز در این باره معتقد است: «سلسله عوامل پیچیده مادی و معنوی در انتخاب نکردن رشته از سوی داوطلبان مجاز کنکور، مؤثر است و وجود رشته و گرایش‌های بدون کنکور، در مقطع کارشناسی غیر از مجموعه پزشکی در دانشگاه‌ها و وجود ظرفیت بسیار محدود در پذیرش دانشجو در دانشگاه‌های دولتی در این فرایند دخالت دارد، عباس گوهری، مدیرکل اسبق برنامه‌ریزی درسی آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی، درباره استقبال پایین داوطلبان مجاز تأکید می‌کند: «رویکرد اصلی در دانشگاه‌ها آموزش تئوری سر فصل‌هاست و به دلیل متناسب نبودن بارفع نیازهای روز جامعه و نداشتن کارایی لازم برای اشتغال و کارآفرینی دانشجویان از موانع اصلی انتخاب رشته توسط داوطلبان مجاز کنکور در دهه

● خالی ماندن ظرفیت تخصص‌های پزشکی، واقعیت یا شایعه؟

از طرف دیگر چندی قبل خالی ماندن ظرفیت دانشگاه‌در تخصص‌های پزشکی به تیتز رسانه‌ها تبدیل شد. خبری که نخستین بار از توثیت علی جعفریان، استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران، به رسانه‌ها رسید: «خالی ماندن بیش از ۶۵۰ ظرفیت تخصصی پزشکی حتی در رشته‌هایی مانند قلب و اورولوژی، بیش از گروه پزشکی، باید برای مسئولان رنگ خطر را به‌صدا درآورد. این همان آزمون‌ای است که برای قبولی در هر رشته‌ای سوال خرید و فروش می‌شد، جعفریان در ادامه نوشته بود: مشغولیت ذهنی به مهاجرت بسیار بدتر از خودمهاجرت است، چون باعث می‌شود افراد انگیزه کار و فعالیت نداشته باشند، نوعی روزمرگی کسل‌کننده و عذاب‌آور، با فکر دائمی گیر افتادن و تمایل به فرار از محیط. خاکمیت باید شرایط را تغییر دهد، اگر قرار است ایران روی پیشرفت همه‌جانبه را ببیند، من که در سه مقطع پزشکی عمومی، تخصص و هیئت علمی امکان مهاجرت را بدون هرگونه سهمیه و رانت داشتم و با افتخار زندگی در ایران را انتخاب کردم و پشیمان هم نیستم، اکنون برای نسل جوان به سختی می‌توانم دلیل این تصمیم را توجیه کنم، چر رسد به آنان که می‌خواستند و نشد، خبری که البته به این ترتیب از طرف مرکز سنجش آموزش پزشکی وزارت بهداشت تکذیب شد: «به اطلاع همه شرکت کنندگان در چهل و هشتمین دوره آزمون پذیرش دستیار تخصصی می‌رساند پس از اعلام نتایج نهایی آزمون، در شبکه‌های مجازی جدولی توسط بعضی از مؤسسات آموزشی به اشتباه به عنوان ظرفیت‌های تکمیل نشده رشته محل‌های این دوره منتشر شده است که اطلاعات موجود در این جدول صحیح نیست و مورد تأیید مرکز سنجش آموزش پزشکی نیست. به عنوان مثال در این دوره همه ظرفیت‌ها در رشته بیماری‌های قلب و عروق تکمیل شده است و ظرفیت خالی وجود ندارد.»

● «اشتغال»، خواسته‌ای مهم‌تر از «تحصیل»

مرتضی مردیها، عضو هیئت علمی گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی، در مقاله‌ای با عنوان «آسب شناسی آزمون ورودی دانشگاه، به تحلیل شرایط پیش‌آمده در حوزه تحصیلات تکمیلی می‌پردازد و می‌نویسد: «تدریدی نیست

که شغل مهم‌ترین خواسته انسان پس از امنیت در سراسر جهان امروز است و این، بیکاری را به بزرگ‌ترین معضل کشورهای جهان امروز اعم از توسعه یافته و در حال توسعه تبدیل کرده است. اما ارزش شغل و بحران بیکاری مستقل از روند روبه‌رشد سطح آموزش است. «استاد دانشگاه علامه طباطبایی خاطر نشان می‌کند: «از اوایل دهه پنجاه که تعداد فارغ التحصیلان دبیرستان‌ها به سرعت از ظرفیت دانشگاه‌ها پیشی گرفت، پدیده‌ای به عنوان «بشت‌کنکوری»، به عنوان معضلی اجتماعی و حتی سیاسی مطرح شد. تصور غالب این بود که دولت موظف است شغل یا ادامه تحصیل دیلمه‌ها را اتکفل کند و اگر تعداد زیادی از دانش‌آموزخان دبیرستان‌ها نه در دانشگاه پذیرفته می‌شوند و نه امکان اشتغال به صورت استخدام دولتی در فضا‌های کارمندی را دارند، این حاصل نوعی توطئه برای اضمحلال نیروهای جوان یا دست‌کم نشان کژکار نظام دیوان‌سالاری کشور است. «مردیها بیان می‌کند: «البته این تصور به‌دو دلیل اشتباه بود: یکی اینکه لازمه لایتنم و توسعه مواجعه‌های آموزشی چون بیکاری دانش‌آموزخان است، چیزی که در عموم کشور‌های در حال توسعه یا حتی توسعه یافته قابل مشاهده است و یک نظام سیاسی با حسن نیت و یک دیوان‌سالاری سامان یافته هم قادر به حل این مشکل نیست، دوم اینکه دریافت عامه از پدیده بشت‌کنکوری دچار درجاتی از آماس و توهم است. درصد زیادی از این افراد اگر کنکور هم حذف و از آنان خواسته شود که بدون هیچ مانعی در کلاس‌های درس حاضر شوند، به دلیل بی‌بهرگی از علاقه یا استعداد، و نوع تحصیلات نسبتاً دشوار دانشگاهی، از این پیشنهاد استقبال نخواهند کرد.»

آنچه از گفته‌های مردم، کارشناسان و مسئولان درباره روند کاهشی استقبال از تحصیل در دانشگاه‌ها بر می‌آید اگر چه از یک سونگاه‌ها را به سمت آسیب‌شناسی این رفتار اجتماعی و دلایل آن مانند بی‌کاری، مسائل اقتصادی، مهاجرت و...، سوق می‌دهد، از طرف دیگر این سؤال تازه را نیز ایجاد می‌کند که آیا واقعا این روند کاهشی را باید یک «آسب»، دانست یا نوعی واقع‌گرایی اجتماعی و مصداق این مثل که «عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد؟»